

معلولیت اجتماعی کودکان و نوجوانان

سیدحسن قالیبافان (دانشگاه بیرجند)

چکیده

به نظر نگارنده انزوای طبیعی و گوشه‌گیری همان معلولیت اجتماعی* می‌باشد چرا که زندگی عادی فرد مختل و او را در برقراری روابط اجتماعی مطلوب با دیگران با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. برخی از اولیاء و مربیان نه تنها گوشه‌گیری را یک مسئله رفتاری قلمداد نمی‌کنند بلکه آن را یک خصیصه مناسب و صفت مثبت برای کودک و نوجوان به شمار می‌آورند و به تقویت آن نیز می‌پردازند.

بررسی و مطالعه روی مسأله گوشه‌گیری از جهت تربیتی و عاطفی حائز اهمیت است زیرا اگر مشکل اجتماعی فوق در کودکان و نوجوانان شناخته و درمان نشود در سنین جوانی و بزرگسالی برای آنها مشکل آفرین خواهد بود بنابراین باید به این موضوع اهمیت داد.

سؤالات متعددی در این ارتباط مطرح می‌شود که آیا بیماری، فقدان والدین، کمبود مهارت‌های اجتماعی، الگو یا مدل، محیط خانوادگی و مسائل فرهنگی موجب گوشه‌گیری می‌گردد که در این مقاله پس از تعریف گوشه‌گیری و ذکر علائم و نشانه‌های آن، علل مربوطه نیز بررسی می‌گردد.

نتیجه این که بسیاری از بیماری‌ها و سرطان‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، خودکشی، بزهکاری، الکلیسم و... پیش از آنکه نشأت گرفته از فقر، تنگدستی، مرضی، یتیمی و... باشد از خلاء بین فرد و جامعه یا کاهش روابط سالم انسانی سرچشمه می‌گیرد. اگر افراد در جامعه، خانواده و به طور کلی گروهی که عمدتاً با آن ارتباط دارند از مقبولیت، محرومیت و روابط سالم برخوردار باشند و گستره روابط اجتماعی شان منطقی و سالم باشد، انحرافات اجتماعی در هر شکل آن به طور محسوسی کاهش خواهد یافت.

مقدمه

ارتباط انسان‌ها، سنگ بنای جامعه انسانی است و بدون آن هرگز فرهنگ به عنوان خصیصه جامعه انسانی پدید نمی‌آید. ارتباط در بسط فرهنگ و تعالی انسان اهمیت دارد زیرا که از این طریق شخصیت فرد شکل می‌گیرد.

اگر ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نبود، بنای عظیم فرهنگ انسانی پا نمی‌گرفت و هیچ یک از دستاوردهای بزرگ انسانی نظیر زبان، خط و... پدید نمی‌آمد و بالاخره باید گفت زندگی در جمع انسانی تجلی می‌کند. زمانی که بودلر اثر معروفش گل‌های جهنم را نوشت و در آن از بیداد زندگی سخن به

*- social Handicap.

میان آورد و زندگی را همچون تنور داغی دانست که ما انسان ها با جهیدن در آن و به قولی "زندگی" از گرمایش اجتناب می‌کنیم. متفکران رئالیست گفتند: بودلر عشق به زندگی را فراموش کرده است یا زمانی که روسو اثر معروفش تفکرات تنهایی را به نگارش درآورد و در آن از تنهایی و آزادی‌های آن ستایش به عمل آورد، ولتر در جوابش به طعنه نوشت: "آقای روسو کتابتان را خواندم و از آن لذت بردم اما در پایان وسوسه شدم که به سوی جنگل راه گشایم و چهار دست و پا بدم."

بدین سان می‌بینیم که تنهایی همواره آفت روح انسان بوده است و دلهره انسان ها نیز در تاریخ تنها ماندن است. چون که انسان به عنوان موجودی منزوی و ایزوله، در فضا و زمان زندگی نمی‌کند و هویت اجتماعی فرد محصول ارتباط او با انسان های دیگر است و هنگامی که فرآیند رشد اجتماعی فرد مختل می‌شود گوشه‌گیری یا معلولیت اجتماعی بروز می‌نماید که مشکلات فراوانی را برای او بوجود می‌آورد که خود معلول عوامل متعددی می‌باشد. از این رو بررسی و مطالعه گوشه‌گیری و انزواطلبی از جهت تربیتی، اجتماعی و عاطفی حائز اهمیت می‌باشد.

اختلالات رفتاری

اختلالات رفتاری همان بی‌نظمی‌هایی است که در رفتار فرد دیده می‌شود و زیر عناوین بیماریهای روانی، رفتارهای نابهنجار، شخصیت های ناسازگار و... قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان بیماری را در مقابل سلامتی، نابهنجاری را در مقابل بهنجاری و ناسازگاری را در مقابل سازگاری قرار داد. مرز بین سلامتی و بیماری، بهنجاری و نابهنجاری کجاست؟ وقتی از سلامت صحبت می‌شود در واقع منظور تعادلی است که بین ارگانیزم و محیط وجود دارد. کسی که می‌تواند تعارض‌های خود را حل کند و در مقابل ناکامی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی استقامت داشته باشد، از سلامت کامل برخوردار است. کسی که به این موقعیت دست نمی‌یابد بیمار تلقی می‌شود و در روان‌شناسی افرادی که نتوانند تعارض‌های خود را با شیوه‌های مناسب حل کنند جزء کسانی به حساب می‌آیند که اختلال‌های رفتاری دارند.

در مقابل، ناهنجاری روانی عبارتست از موقعیت یا وضعیتی که در آن تعادل روانی فرد از هم پاشیده شده و نوعی تشویش و عدم تعادل در فرد به وجود می‌آید. برخی از این اختلالات سطحی و زودگذر بوده، چند روزی بیشتر دوام ندارد و گذشت زمان در بهبود آنها مؤثر است و بعضی از اختلالات عمیق و جدی بوده که درمان آنها به زمان طولانی نیاز دارد. برخی از ناهنجاریهای روانی عبارتند از: احساس حقارت، عصبی بودن، ترس و اضطراب، افسردگی، وسواس، گوشه‌گیری و...

و در این میان انزواطلبی و گوشه‌گیری در جامعه ما به طور بارز و روشن در میان کودکان و نوجوانان مشاهده می‌شود تا بدان حد که تعداد قابل توجهی از آنها در جریان تحصیل و امور اجتماعی خود از این مسأله رنج می‌برند. ولی اولیاء و مربیان این رفتار را به عنوان یک اختلال رفتاری نمی‌شناسند و برایش اولویتی در درمان قائل نیستند و این شاید به این دلیل است که این نوع رفتار از طرف کودکان و نوجوانان برای والدین، معلمین و مربیان و... رنجشی را به همراه نمی‌آورد و برای آنها مزاحمتی و دردسری ایجاد نمی‌کند. در حالی که در طرف مقابل رفتار پرخاشگرانه بیشتر به عنوان یک مسأله از طرف اولیاء و

مربیان مطرح می‌شود. زیرا کودک و نوجوان انزوای طلب و گوشه‌گیر در درون خود احساس ناامنی، بی‌کفایتی و ناشادی می‌نماید و بیشتر به درون خود پناه می‌برد در حالی که کودک پرخاشگر حالات درونی خود را به صورت دیگر ظاهر می‌سازد و به دنیای بیرون حمله ور می‌شود. بنابراین با هر دوی آنها باید به صورت مشکل و مسئله رفتاری برخورد نمود. تأسف بیشتر این که برخی از اولیاء و مربیان نه تنها این رفتار را مسأله و مشکل رفتاری قلمداد نمی‌کنند بلکه یک خصیصه و صفت مثبت نیز برای کودک بشمار می‌آورند و به تقویت آن نیز می‌پردازند.

لازم به ذکر است که هر نوع عزلت و در تنهایی ماندن گوشه‌گیری تلقی نمی‌شود. هر انسان گهگاهی دوست دارد تنها باشد تا به خودشناسی و حل مشکلات زندگی پردازد و گوشه‌گیری زمانی حالت مرضی پیدا می‌کند که فرد از آمیزش با جمع و هموعان بیزار و بیمناک باشد و اگر این مشکل درمان نشود به پیدایش حالات شدید روانی منجر می‌شود.

در بسیاری از کلاسهای درس کودکان و نوجوانانی مشاهده می‌گردند که آرام، کمرو و خجالتی هستند این افراد در زندگی روزمره خود غالباً وقت خود را فقط با اعضای خانواده یا همسالان آشنا می‌گذرانند و از غریبه‌ها و ناآشنا اجتناب می‌ورزند، شرم و حیا و خجالت این کودکان ممکن است آنها را از کسب مهارت‌ها و آمادگی‌های لازم برای بسیاری از فعالیت‌هایی که همسالان آنها از آن لذت می‌برند و اصولاً برای رشد شخصیت آنها ضروری است، باز دارد.

تعریف گوشه‌گیری^۱

گوشه‌گیری را عمل یا فرآیند شرکت نکردن در فعالیت‌های جمعی و یا جا ماندن از جمع تعریف کرده‌اند. در علوم رفتاری منظور از گوشه‌گیری رفتاری است که در نتیجه آن کودک از برقراری ارتباط با دیگران بویژه افراد ناآشنا و غیر فامیل خودداری می‌کند و به صورت افراطی سعی در جدایی و گریز از آنها دارد. از شرکت در بازی‌های دسته‌جمعی پرهیز می‌کند کمتر علاقه به برقراری رابطه کلامی با دیگران دارد و در بیان و ابراز خواسته‌ها و نظرات خود کفایت لازم را ندارد. یا به تعبیری دیگر گوشه‌گیری نوعی اختلال رفتاری است که زندگی عادی فرد را مختل می‌کند و او را در برقراری روابط اجتماعی با دیگران با مشکلاتی مواجه می‌سازد.

گوشه‌گیر کسی است که از مردم دوری می‌کند و عزلت می‌گزیند و از این طریق خود را با محیط اطراف سازگار می‌سازد.

رفتار گوشه‌گیر در بین کودکان و نوجوانان به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن کودک از برخورد با دیگران احتراز کند و به صورت افراطی سعی در جداشدن از آنها را داشته باشد. در فعالیت‌های گروهی

همکاری و مشارکت لازم را نداشته و یا از شرکت در بازی های دسته جمعی خودداری کند و از جهت کلامی در عین آنکه قادر به تکلم و صحبت می باشد کمتر رابطه برقرار کند و در بیان خواسته ها و نظرات خود در بین دیگران از توانائی و کفایت لازم برخوردار نباشد.

از نظر نگارنده گوشه گیری همان "معلولیت اجتماعی" است یعنی فرد به طور اعم و کودک و نوجوان به طور اخص فاقد مهارت های لازم جهت برقراری ارتباط با دیگران بوده و فرآیند رشد اجتماعی او مختل گردیده است چرا که میزان سازگاری فرد با جامعه متناسب با رشد اجتماعی او می باشد. یعنی هر اندازه که براحتی بتواند با دیگران زندگی کند و سازگاری داشته باشد به همان اندازه از نظر اجتماعی رشد یافته است و این حاصل نمی شود مگر از طریق ارتباط اجتماعی.

علائم و نشانه های گوشه گیری

گروه سنجی یکی از جذاب ترین فضاهائی است که می تواند در مطالعه روابط اجتماعی بکار رود. این آزمون وسیله ای است که میزان پذیرش فرد را در گروه تعیین کرده به کشف روابط بین افراد گروه و ساخت خود گروه می پردازد. در کودکانستان ها، مدارس و دیگر مکان ها با استفاده از آزمون گروه سنجی می توان کودکان گوشه گیر و مطرود، کودکان محبوب و مقبول گروه را با در نظر گرفتن ملاک معین شناخت.

گوشه گیری و انزواطلبی با یک سلسله علائم متعدد و به هم پیوسته همراه می شود. گوشه گیر چون مشکلاتش را نمی تواند در عالم واقعیت حل کند به تخیل فرو می رود و به خیال بافی می پردازد. انسانی است بی هدف و نمی داند چه باید بکند و برای آینده اش چه طرحی بریزد. از مردم گریزان است و هر تضاد و خواهش را به عنوان تحصیل می داند و در برابر آن به شدت مقاومت می کند از این رو در ارتباط با اطرافیان دچار تضاد و کشمکش می گردد. برای دفاع از حقش اقدام نمی کند و کناره گیری را بر تلاش ترجیح می دهد. محدود ساختن تمام جنبه ها و فعالیت های زندگی، خجالت، سکوت، محرومیت، ناتوانی در برقراری ارتباط با دوستان و معلمان، فرار از فعالیت های اجتماعی و به تعویق انداختن انجام کارها، بی حوصلگی و احساس خستگی و نگرانی از آینده، کمک نخواستن از دیگران به هنگام نیاز در انجام کارها، از این شاخه به آن شاخه پریدن، سازش با وضع موجود و اعتراض نکردن به آن حتی در صورت احساس ناراحتی و نگرانی، احساس پوچی و بی ارزشی، ابراز وجود نکردن، تسلیم در برابر خواسته های دیگران، تقصیر گناه را به گردن گرفتن، ناتوانی در بروز احساسات خصومت و پرخاشگری، اجتناب از رقابت، درون گرایی و در خود فرورفتن، زودرنجی زودگریستن، پریشانی و بی قراری، بی علاقگی به کلاس، عدم تمرکز حواس، اختلال در خواب و خوراک، بی اعتنائی به وقایع اطراف، نادیده و نشنیده گرفتن پرسش های اطرافیان، بی اعتمادی نسبت به توانائی های خودش، داشتن نگرش های منفی و بدبینانه به اطراف، مطرح نکردن اشکالات درسی در بین دانش آموزان گوشه گیر به وفور یافت می شود.

علل و عوامل گوشه‌گیری

گوتمن^۱ اشاره دارد که کودکان گوشه‌گیر در حاشیه گروه اجتماعی بال و پر می‌زنند به طوری که از طرف هم سن و سالان نه مورد قبول واقع می‌شوند و نه طرد می‌گردند بلکه صرفاً نادیده گرفته می‌شوند و چون این کودکان از فراگرفتن مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز خود ناتوان مانده‌اند بدین ترتیب روز به روز گوشه‌گیرتر و منزوی‌تر می‌شوند.

عوامل متعددی موجب گوشه‌گیری کودکان می‌شود غم و اندوه شدید و مداوم، فقر و تنگدستی، احساس گناه، ضعف و نقصان جسمانی، تکبر و غرور، احساس حقارت شدید، عقب ماندگی درسی، پذیرفته نشدن در خانه و مدرسه، حسادت و انتقام جویی، احساس ترس و ناامنی، نابسامانی‌های خانوادگی، طلاق، بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌های کنجکاوانه کودکان، بی‌حوصلگی در برقراری ارتباط سالم با کودکان، نبودن الگوی اجتماعی مطلوب در خانه، محرومیت از محبت مادر، عدم حضور پدر در خانواده، اعتیاد والدین، شکست‌ها و ناکامی‌های پی‌در پی، اختلال در عملکرد غدد فوق کلیوی، حمایت افراطی کودک همراه با چشم‌پوشی شدید، بیماری‌های طولانی کودک، انتقال کودک به مدرسه و مکان جدید؛ تبعیض و انتقادهای و بهانه‌گیری‌های مستمر و بی‌مورد والدین و معلمان، عوامل فرهنگی همچون برخی آموزش‌ها و القائات مذهبی و اخلاقی می‌تواند علت گوشه‌گیری تلقی گردد.

نتیجه‌گیری و راه حل

رفتار انزواطلبی یک اختلال رفتاری و یکی از جدی‌ترین مشکلات کودکان و نوجوانان می‌باشد. کودک کم‌رو برای سایرین مشکلی ایجاد نمی‌کند ولی ممکن است به سبب رنج ناشی از احساس ناامنی و بی‌کفایتی در خود یکی از ناشادترین کودکان باشد و در نتیجه پیوسته به دنیای درونی خویش پناه برد. اگر در مورد رفتار غیراخلاقی این افراد چاره‌ای اندیشیده نشود احتمالاً آنان خطرناک‌ترین و مساعدترین وضع را برای ابتلا به بیماری‌های روانی شدیدتری خواهند داشت.

سالهاست که مربیان بصیر متوجه گرفتاری‌های این‌گونه کودکان دردمند شده و برای مطالعه احوال آنها چاره‌ای اندیشیده‌اند. هدف از این مطالعات یافتن طرقی برای آزاد ساختن کودکان از قیود و موانعی است که تجربه‌های ناگوار گذشته به صورت عادت‌ها و نگرش‌های نامطلوب راه تکامل طبیعی آنان را سد کرده است.

معلمان و والدین در رفع مشکلات کودکان و نوجوانان گوشه‌گیر نقش بسزایی دارند. ابتدا باید عوامل زمینه‌ساز گوشه‌گیری شناسایی و از بین برود. باید تمام تغییرات رفتاری مناسب و موفقیت‌آمیزشان را مورد توجه قرار دهند. هدف درمان باید افزایش ارتباط متقابل با هم سن و سال کودک باشد یعنی دایره روابط اجتماعی او وسعت یابد.

به رغم آن که تلاش برای بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان، بیشتر از جانب بزرگسالان اعمال می‌شود. شیوه جالب در این مورد، بهره‌گیری از کمک همسالان است، همسالان می‌توانند برای رفتار مورد نظر بهترین مدل باشد.

استرین و فاکس بر نوشته‌هایی که درباره استفاده از همسالان به عنوان عامل تغییر کودکان گوشه گیر نوشته شده است، مروری داشته‌اند و در این مورد مشاهده کردند که کودکان همسال برای سه منظور با موفقیت آموزش دیده‌اند. برانگیختن و تقویت کردن رفتارهای درست در کودکان منزوی، تلاش برای اجتماعی کردن همسالان گوشه‌گیرشان و استفاده از آنها به عنوان مدل‌های زنده همسال کودکان گوشه‌گیر.



منابع و مأخذ

- ۱- حسینی بیرجندی، سیدمهدی. اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۲- خدایاری فرد، محمد. مسائل نوجوانان و جوانان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۹.
- ۳- راس، آلن. اختلالات روانی کودکان؛ ترجمه امیر هوشنگ مهریار. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
- ۴- ساروخانی، باقر. جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۵- سیف نراقی، مریم، نادری، عزت ا... اختلالات روانی کودکان. تهران: انتشارات بدر، ۱۳۷۳.
- ۶- شفیق آبادی، عبدالله. راهنمایی و مشاوره کودک. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
- ۷- صدری، غلامحسین. فرهنگ زبان فارسی امروز. تهران: چاپ فرهنگ، ۱۳۶۹.
- ۸- ضوابطی، مهدی. مبانی مشکل‌شناسی (کودکی و نوجوانی). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۵.
- ۹- علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: نشر روان، بهار ۱۳۷۸.
- ۱۰- نلسون، ریثا، ایزرائیل، الن. اختلالات رفتاری کودکان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- ۱۱- نوایی نژاد، شکوه. رفتارهای بهنجار و نابهنجار در کودکان و نوجوانان. تهران: سازمان انتشاراتی، فرهنگی و هنری ابتکار، ۱۳۶۲.
- ۱۲- نورث وی، مری. گروه‌سنجی و پویایی گروهی؛ ترجمه غلامعباس توسلی، غلامعباس. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
- ۱۳- وایت، ورنه. مطالعه فردی کودکان؛ ترجمه مسعود رضوی.